



پی نوشت

۱. پایه (۱۳۹۹). دربارهٔ فلسطین. ترجمه: محسن عسکری جهقی. تهران: نشر ثالث، صفحه ۲۱.
۲. پایه (۱۳۹۶). پاکسازی قومی فلسطین. ترجمه: محسن کرباسفروشان. تهران: انتشارات اطلاعات، صفحه ۶۰.
۳. همان، ۸۵.
۴. همان، ۴۷.
۵. مورخان فلسطینی نشان داده‌اند که حتی قبل از سال ۱۸۸۲ و تأسیس صهیونیسم هم بخش‌های نخبگانی جامعهٔ فلسطین و هم بخش‌های غیرنخبهٔ این جامعه در ایجاد یک جنبش ملیگرایانه و احساسات و نگاه وطنی نقش داشته‌اند. پیش از ۱۹۱۷ و اعلامیهٔ بالفور، مدرنسازی جامعه، سقوط امپراتوری عثمانی و طمع اروپاییها برای تصاحب زمین در خاورمیانه در تثبیت ملیگرایی در فلسطین نقش ایفا کرده بود (پایه، ده غلط مشهور دربارهٔ اسرائیل، ۳۲).
۶. پاکسازی قومی فلسطین، ۵۳.
۷. همان، ۲۵.
۸. همان، ۱۲۲.
۹. همان، ۲۳۹.
۱۰. پایه (۱۳۹۸). ایدهٔ اسرائیل. ترجمه: محسن کرباسفروشان. انتشارات اطلاعات، صفحه ۱۷.
۱۱. همان.
۱۲. همان، ۲۲.
۱۳. همان، ۳۷.
۱۴. همان، ۴۱.
۱۵. همان، ۷۵.
۱۶. همان، ۷۸.
۱۷. همان، ۱۰۲.
۱۸. همان، ۱۵۵-۱۵۲.
۱۹. همان، ۱۵۷.
۲۰. همان، ۱۷۹.
۲۱. همان، ۲۰۹.
۲۲. همان، ۳۴۳.
۲۳. دربارهٔ فلسطین، ۲۵

شده است. این گفتمان بی‌خاصیتی خود رانزد کنشگران جهانی اثبات کرده است و اکنون این الگوی جدید مبتنی بر «راه حل» تشکیل یک دولت است که رشد می‌یابد. بر اساس این الگو، تمامیت فلسطین منطقه‌ای است که اسرائیل آن را به صورت استعماری اشغال کرده است و فلسطینیان که ساکنان و صاحبان اصلی آن سرزمین‌اند با انواع روش‌های سرکوبگرانه و رژیم حقوقی‌ای که از صهیونیسم ارتزاق می‌کند به نابودی کشیده می‌شوند. با اینکه هم تشکیلات خودگردان و هم رژیم اسرائیل مخالف این الگو هستند، اما راه‌حلی جز یک دموکراسی واقعی، با حضور آوارگان و اخراج شدگان از ۱۹۴۸ تا کنون، برای رسیدن به صلح پایدار نمی‌توان متصور بود.^{۳۳} پایه اصرار دارد که نه تنها چنین راه‌حلی عقیده‌ای افراطی و انقلابی نیست، بلکه نادیده گرفتن آن یعنی دنیای غرب اصول خود را نادیده گرفته و برای فلسطینیان استثنای قائل شده است با اینکه صراحتاً در قطعنامهٔ ۱۹۴ سازمان ملل در دسامبر ۱۹۸۴ چنین حقی قید شده است. گفتمان صلح قدیمی که قبل از پیمان اسلو تا کنون توسط غرب ترویج شده این اصل بدیهی را نادیده گرفته است. نگرشی که هر دو طرف مناقشه را برابری داند آشکارا رابطه نامتوازن میان آن‌ها را نادیده می‌گیرد و کمکی به حل مسئله نمی‌کند. در واقع این رویکرد برای خوشامد اسرائیل طراحی شده بود تا کسی به آن نازک‌تر از گل نگوید و فلسطینیان باید هرچه را اسرائیل به آن‌ها مرحمت می‌کند بپذیرند بدون کوچک‌ترین حق اعتراضی. تقسیم اراضی فلسطین همدستی و مشارکت جهانی برای نابودی فلسطین است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را پیشنهادی صلح‌جوانه تلقی کرد. ▶

فلسطین از رود تادریا

پایه منتقد گفتمان صلحی است که در سال‌های اخیر، عمدتاً توسط ایالات متحده، ترویج شده است، گفتمانی مبتنی بر عبارات و اصطلاحاتی نظیر «یک سرزمین برای دو ملت»، «فرایند صلح»، «مناقشهٔ اسرائیل و فلسطین»، «نیاز به پایان دادن به خشونت از هر دو سوی مناقشه»، «مذاکرات» یا «راه حل» تشکیل دو دولت» که بسط آن در عمل نه تنها نتوانسته است مانع ظلم و ستم اسرائیلی‌ها در کرانهٔ باختری و نوار غزه شود، بلکه در عمل به ابزاری برای خریدن زمان و اعمال سیاست‌های صهیونیستی منجر شده است. پایه معتقد است اسرائیل از ۱۹۶۷، درست همان سالی که بسیاری از اراضی فلسطینی را به اشغال خود درآورد، همواره دنبال یافتن راهی بود تا بدون آنکه ساکنان اراضی اشغال شده را به عضویت اسرائیل درآورد و حق و حقوق شهروندی برای آن‌ها قائل شود بتواند آن اراضی را در اشغال خود داشته باشد. در تمام آن مدت اسرائیل خود را سرگرم «مذاکرات صلح» بی‌اساس کرد. اسرائیل در چند دههٔ اخیر به دقت میان سرزمین‌هایی که قصد دارد بر آن‌ها حکومت کند و سرزمین‌هایی که قصد دارد به طور غیرمستقیم بر آن‌ها سلطه داشته باشد تمایز قائل شده است و مهم‌ترین هدفی که در درازمدت دنبال می‌کند کاهش جمعیت فلسطینیان به کم‌ترین میزان ممکن است و برای نیل به این هدف از روش‌های گوناگونی نظیر پاکسازی نژادی و محاصره اقتصادی و جغرافیایی استفاده می‌کند. به همین دلیل است که هم اکنون کرانهٔ باختری رود اردن به دو ناحیهٔ یهودی‌نشین و فلسطینی تقسیم

Palestine: A Homeland Denied

این تصویر در سال ۱۹۷۹ در مسابقه «فلسطین: وطنی انکار شده» که توسط مرکز فرهنگی عراق در لندن حمایت مالی شده بود، برنده جایزهٔ اول شد.